www.imammahdi-s.com



زنان در حکومت امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف)

محمد جواد مروجی طبسی

بسم الله الرحمن الرحیم

زنان در حکومت امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف)

نویسنده:

محمد جواد مروجی طبسی

ناشر چاپی:

بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود (علیه السلام)

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

زنان در حکومت امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف

مشخصات کتاب

سرشناسه : مروجی طبسی، محمدجواد، ۱۳۳۱ -

عنوان و نام پدیدآور : زنان در حکومت امام زمان(عج)/ نوشته محمدجواد طبسی.

مشخصات نشر : تهران: بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود (عج)،مرکز تخصصی امامت و مهدویت، [۱۳۸۲].

مشخصات ظاهری : ۳۸ص.؛ ۵/۱۰ × ۲۰ س م.

شابک : ۲۵۰۰۰ ریال ۹۶۴-۷۴۲۸-۰۳-۰ :

وضعیت فهرست نویسی : فاپا (چاپ ششم)

یادداشت : چاپ اول: ۱۳۷۹ (فیپا).

یادداشت : چاپ ششم.

یادداشت : کتابنامه: ص. ۳۷ - ۳۸؛ همچنین به صورت زیرنویس.

موضوع : محمدبن حسن (عج)، امام دوازدهم، ۲۵۵ق. - -- یاوران

موضوع : مهدویت

رده بندی کنگره : BP۲۲۴/۴/ط۱۸۵ز۹ ۱۳۸۲

رده بندی دیویی : ۲۹۷/۴۶۲

شماره کتابشناسی ملی : م ۷۹-۲۴۰۵۱

ص:۱

اشاره

زنان در حکومت امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف

مؤلف: محمد جواد مروّجی طبسی

ناشر: انتشارات بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه الشریف

نوبت چاپ: چهاردهم، زمستان ۹۲

شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۷۴۲۸-۰۳-۳

شمارگان: سه هزار نسخه

قیمت: ۲۵۰۰ تومان

- قم: انتشارات بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه الشریف، مرکز تخصصی مهدویت/ خیابان شهدا/ کوچه آمار(۲۲)/ بن بست شهید علیان/ ص.پ: ۱۱۹ - ۳۷۱۳۵/ همراه: ۰۹۱۰۹۶۷۸۹۱۱/ تلفن: ۳۷۷۴۹۵۶۵ و ۳۷۷۳۷۸۰۱(داخلی ۱۱۷و۱۱۶)/۳۷۸۴۱۱۳۰ (فروش)/ ۳۷۸۴۱۱۳۱ (مدیریت)/ فاکس: ۳۷۷۳۷۱۶۰ و ۳۷۷۴۴۲۷۳

- تهران: بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه الشریف/ تلفن: ۸۸۹۵۹۰۴۹/ فاکس: ۸۸۹۸۱۳۸۹/ ص.پ:۳۵۵-۱۵۶۵۵

www.mahdi۳۱۳.com

www.mahdaviat.ir

info @mahdaviat.ir

با قدردانی و تشکر از همکارانی که در تولید این اثر نقش داشته اند:

اعضای محترم شورای کتاب حجج اسلام مجتبی کلباسی، محمدصابر جعفری، مهدی یوسفیان، محمدرضا فؤادیان و آقایان احمد مسعودیان (مدیر داخلی)، فاطمه اکبری (ویراستار)، مرتضی دانش طلب (مدیر مالی)، عباس فریدی (طراح جلد)، رضا فریدی (صفحه آرا) و کلیه کسانی که ما را یاری نمودند.

مدیر مسئول انتشارات بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه الشریف

حسین احمدی

کد فایل ۰۱۰۹۰۱۰-۴

ص:۲

مقدمه ناشر

انقلاب اسـلامی ایران که با لطف خدا و رهبری حضـرت امام خمینی و به برکت خون شـهیدان به پیروزی رسید، گامی بود در زمینه سازی برای حکومت جهانی حضـرت مهـدی علیه السـلام و رسـیدن به جامعه نوین جهانی با جوهره دینی. حضـرت امام، صاحب انقلاب را امام زمان می دانست و یکی از آرمان های او این بود که «خدایا، این انقلاب را به دست صاحب اصلی آن برسان».

رهبر معظم انقلاب اسلامی - حضرت آیت الله خامنه ای- نیز در جمع کارگزاران نظام اسلامی فرمودند:

برای رسـیدن به حکومت جهانی امام مهدی علیه السـلام باید کشوری اسـلامی به عنوان الگو داشته باشیم تا زمینه دعوت مردم جهان به آن حکومت آرمانی فراهم شود.

بنیاد فرهنگی امام مهـدی علیه السـلام بر آن است که با انتشار آگاهی هایی پیرامون مهـدویت، عطر امید به آینده ای روشن را در بین مسلمانان

ص:۳

پاشیده و با انعکاس دیدگاه های متفکران بزرگ اسلامی، اندیشه انتظار را بارور سازد؛ از این رو کتب، مجلات و نرم افزارهای مختلفی را تاکنون منتشر کرده است.

کتابی که پیش رو دارید در همین راستا تدوین شده و نگاهی است به نقش بانوان شایسته در پیدایش انقلاب امام مهدی علیه السلام و نیز در اداره جامعه جهانی که نویدش را پیامبران الهی داده اند. امید است که گامی در ساختن مردان و زنانی منتظر و شایسته باشد.

بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه الشریف

مرکز تخصصی مهدویّت

فهرست مطالب

ص:۶

اشاره

بـا آفرینش زن، برگ زرّینی به برگ های زرّین عالم وجود افزوده شـد؛ زیرا که زن مظهر جمال و جلال خداونـد بود که باید شناخته می شد. این نور الهی از آغاز آفرینش تاکنون دوران های تلخ و شـیرینی سپری کرده است؛ گاه همراه با حرکت انبیای الهی گـام در گـام پیـامبران خـدا گـذارده و دوشادوش مردان صالـح، از پیامبر زمان خود حمایت کرده است؛ هماننـد آسـیه - همسـر فرعون- که نخست در حفظ موسـی -پیامبر خدا- ، ایفای نقش کرده و سـرانجام با کشف راز او، به بدترین شـکنجه ها گرفتـار گردیـده، ولی در هیـچ حـال از دیـن خـدا و پیـامبرش دسـت برنـداشت. همچنیـن ماشـطه که حاضـر می شـود خـود و فرزنـدانش در آتش بسوزنـد امّـا لحظه ای از ایمان به خـدا دوری نکنـد. هاجر - همسـر ابراهیـم- به تنهایی در بـدترین شـرایط اقلیمی با کودک نوزادش در کنار خانه خدا زندگی می کند و فرمان خدا را گردن می نهد.

زنان اولین کسانی هستند که افتخار آموزگاری بشر را بر عهده گرفتند و دامانشان کانون شکل گیری تمام فضیلت هاست؛ زیرا با عطوفت و صبر در برابر تربیت فرزند، بهترین و سازنده ترین نقش تربیتی را بر عهده دارند. زن است که مرد را از دام های شیطانی و از منجلاب فساد و بدبختی نجات داده، به اوج قله کمال انسانی و خوشبختی می رساند. در قرآن کریم، در موارد بسیاری از این گوهر تابناک یاد شده است. سوره ای در قرآن به نام زنان (نساء) و سوره ای به نام یک زن (مریم) است. در برخی سوره های دیگر نیز ماجراهای زنان مؤمن و فداکار ذکر شده و در سوره تحریم از الگو بودن دو زن چنین یاد شده است: ؛(۱) و خداوند برای مؤمنان، به همسر فرعون مثل زده است، در آن هنگام که گفت: پروردگارا، خانه ای برای من نزد خود در بهشت بساز و مرا از فرعون و کار او نجات ده و مرا از گروه ستمگران رهایی بخش».

تعبیرهای قرآن درباره مریم هر فرد را به شگفتی وا می دارد. آیا این تکریم های بسیار زیبا از این پاسداران حریم عفت و اخلاق نشان دهنده عظمت روحی و مقام والای آن ها نیست؟! آیا زن ها نبودند که در صدر اسلام، در جنگ صفین و در حادثه خونین کربلا حماسه آفریدند؟!

ص:۸

۱- تحریم (۶۶): ۱۱.

امروز شما بانوان همانند بسیاری از مردم به آینده می اندیشید؛ به یک انقلاب جهانی و یک حکومت موعود، و این که چگونه در برابر قدرت های بزرگ غلبه پیدا می کند و برنامه های او چیست؟ چه کسانی با او همکاری می کنند و زنان در آن زمان چه نقشی دارند؟ دشمنانش چه کسانی هستند و راز و رمز موفقیتش در گرو چیست؟

نوشتار حاضر به بخشی از این پرسش ها پاسخ داده و بررسی کوتاهی درباره نقش زنان در ایام ظهور امام زمان علیه السلام ارائه می دهد.

محمد جواد مروّجی طبسی

قم

ص:۹

در گذر تاریخ

رفتار غیر انسانی مردم جاهلیت پیش از اسلام با زنان و دختران چیزی نیست که بر کسی پوشیده باشد. در آن روزگار، زن کالایی بی ارزش شناخته و در بازار برده فروشان عرضه می شد. دختران به بدترین شیوه زنده به گور می شدند و زنان در شدیدترین قید و بندها بدترین روزها را سپری می کردند و از خود هیچ اراده و اختیاری حتی حق زندگی شرافتمندانه، نداشتند و روزنه های امید به روی آن ها بسته بود. در چنین عصری پیامبر رحمت به دستور پروردگار، بارقه امید و چراغ زندگی را در دل های مأیوس آن ستمدیدگان روشن ساخت و پیوسته با گفتار و رفتار خود در زدودن افکار جاهلیت و بازگرداندن شخصیت به زنان کوشش بسیار نمود.

نقش زنان در صدر اسلام

اشاره

مشاهده حمایت های قاطع و فداکاری ها و تلاش های پیگیر زنان در

ص:۱۱

تاریخ اسـلام گواه تأثیر گفتار و عملکرد پیامبر و معصومین علیهم السـلام است. بخشی از این تلاش های خالصانه را در دوران پیامبر صـلی الله علیه و آله و سـلم و علی علیه السلام می توان در زندگی خدیجه کبری علیها السلام یافت. او اولین زن مسلمان بود که ثروت انبوه خود را در راه اسـلام مصـرف کرد. نیز دخت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم – بانوی عالم هستی– بهترین نقش را در حفظ اسلام ایفا کرد و سرانجام در راه دفاع از ولایت و امامت به افتخار شهادت نایل گردید.

بزرگان دین در برخی کتابهای خود، بخشـی را به معرفی و شـرح حال زنان اختصاص داده اند. شـیخ طوسـی; در کتاب رجال خود در پایـان هر بخش بابی با عنوان «باب النساء» گرد آورده و در آن نام زنان روایت کننـده از معصومین را برشـمرده است، که شـمار آنان به شصت و دو نفر می رسد. این مقامی والاست که بانویی افتخار یابد سخن معصومان را برای آیندگان روایت کند و به یادگار گزارد و در هر زمان نامش به عظمت یاد شود.

افزون بر این، در صـدر اسـلام گروه زیـادی از زنان به همراه پیامبر در صـحنه نبرد شـرکت می کردنـد و به درمان مجروحان و سرپرستی بیمـاران می پرداختنـد و در انتقال آب و حمل غـذا و آشپزی و نگهـداری وسایل رزمنـدگان و تهیه دارو و رسانـدن مهمّات به رزمنـدگان، و تعمیر تجهیزات آسـیب دیـده و انتقال مجروحان و شـهدا، انجام وظیفه می کردند که نظرتان را به این موارد و نام تنی چند از آن زنان مجاهد جلب می نمائیم:

الف: حضور در جبهه و مداوای مجروحان

۱. امّ عطیّه

وی از زنان انصار بود و علاقه شدیدی به شرکت در جنگ و حضور در جبهه ابراز می کرد. امّ عطیّه در هفت غزوه شرکت کرد و مداوای مجروحان از جمله خدمات وی در جبهه به شمار می آید.(۱)

۲. نسیبه دختر کعب، مشهور به امّ عماره

وی از زنان فداکار و شجاعی است که رشادت های وی در غزوه احد معرّف شخصیت او می باشد. فداکاری نسیبه، به اندازه ای حساس و ضروری بود که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم به فرزند او عماره فرمود: «امروز مقام مادر تو از مردان جنگی ــ نام دو تن از مردان دلیر را می برد ــ والاتر است»(۲)؛ زیرا آن دو از ترس جنگ و کشته شدن، پیامبر خدا را تنها گذاشته، فرار کردند؛ ولی نسیبه با احساس خطر نسبت به پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم، وظیفه عادی خویش را رها کرد و همگام با سایر رزمندگان، از وجود گرامی پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم به دفاع پرداخت.

عماره فرزند نسیبه گوید:

در جنگ احد، بازوی چپم زخمی شد. مردی به تنومندی درخت خرما، ضربتی به بازویم زد و بی توجه به راه خود ادامه داد. خون همچنان سرازیر بود و باز نمی ایستاد. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم فرمود زخم را ببند. آنگاه مادرم آمد و با پارچه هایی که آماده کرده بود آن را

۱- مسند ابی عوانه ، ج۴، ص۳۳۱.
۲- المغازی ، ج۱، ص۲۷۳.

بست. پیامبر می نگریست. پس از بستن زخم ها، مادرم گفت: پسرم! به پاخیز و جنگ کن(۱).

۳. امّ ابیه

وی، یکی از شش نفری بود که عده ای زیر نظر وی به معالجه مجروحین جنگی در جبهه ها اشتغال داشتند. امّ ابیه با همراهانش راهی خیبر شدند. پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم با اطلاع از آمدن ایشان، فردی را فرستاد و با احضار آنان فرمود: «به دستور چه کسی به اینجا آمده اید؟» امّ ابیه گوید: «چون آثار غضب را بر چهره آن حضرت مشاهده کردیم، گفتیم: یا رسول الله! ما با مقداری دارو به منظور مداوای مجروحین آمده ایم. آن گاه حضرت با ماندن ما موافقت فرمود. شغل ما در این جنگ مداوای مجروحان و پختن غذا و طعام بود»(۲).

۴. امّ ایمن

یکی دیگر از زنانی که نامش زینت بخش تاریخ جنگ های اسلام شده، امّ ایمن است. وی زنی بسیار شریف و مؤمن بود. همواره در کنار زنان مجاهد در راه خدا، در جبهه جنگ به مداوای مجروحان می پرداخت.(۳)

۵. حمنه دختر جحش

حمنه، از زنان بسیار صبور و مقاومی بود که در جنگ ها افتخار حضور داشت. با اینکه دایی و برادر و شوهرش در جنگ احد شرکت کردند و

۱- المغازی ، ج۱، ص ۲۷۰.

۲- کنزالعمال ، ج۴، ص۳۴۵.

۳- الاصابه ، ج۴، ص۴۳۳.

به فوز عظیم شهادت نایل آمدند، خود نیز با کمال رشادت و شهامت، همگام با سایر رزمندگان به مداوای مجروحان می پرداخت و به آنان آب می رساند.(۱)

۶. ربیع دختر معوذ

وی از زنان انصار و بسیار محترمه و از صحابه پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم در جنگها شرکت داشت و مجروحان را درمان می کرد.(۲)

۷. امّ زیاد

وی از خاندان اشجع و از جمله شش نفری بود که به سرپرستی عده ای از زنان به خیبر رفته بودند.(۳)

۸. امیّه دختر قیس

امیّه از جمله زنانی بود که پس از هجرت به مدینه مسلمان شد و با پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم بیعت نمود و در جنگ خیبر شرکت کرد.

امیّه گوید:

با عده ای از زنان بنی غفار به حضور پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم رسیده، عرض کردیم: یا رسول الله! مایل هستیم در خدمت شما برای معالجه مجروحان و کمک به رزمندگان، به سوی خیبر حرکت کنیم،

۱- طبقات الکبری ، ج۸، ص ۲۴۱.

۲- اعلام النساء ، ج ۱، ص ۴۴۲؛ اسدالغابه ، ج۵، ص ۴۵۱.

۳- الاصابه ، ج۴، ص ۴۴۴.

پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم به نشانه رضایت و موافقت فرمود: با عنایات الهی حرکت کن(۱).

۹. لیلای غفاریه

وی شیرزنی بود که در خدمت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم در جنگ ها شرکت می کرد و به پرستاری و یاری مجروحان می پرداخت.

عبد الله بن عمر، از لیلای غفاریه نقل کرده است که می گفت: «من زنی بودم که با پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم برای مداوای مجروحین به جنگ می رفتم».

۱۰. امّ سلیم

وی در جنگ احد شرکت داشت و به تشنگان آب می داد و مجروحین را درمان می کرد. در جنگ حنین، با این که حامله بود از شرکت در جنگ خودداری نکرد.(۲)

۱۱. معاذه غفاریه

به تعبیر اعلام النساء، وی از زنان دانشمند عصر خویش به شمار می رفت و با محضر پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم انس داشت. در جنگ ها شرکت می کرد و بیماران را پرستاری و مجروحین را معالجه می کرد.(۳)

۱۲. ام سنان اسلمیه

وی زنی با محبت، دوستدار اهل بیت عصمت و در جهاد با کفّار، صاحب

۱- اعلام النساء ، ج۱، ص۹۱؛ اسد الغابه ، ج۵، ص۴۰۵؛ مغازی ، ج۲، ص۵۲۲.

۲- طبقات الکبری ، ج۸، ص۴۲۵.

۳- اعلام النساء ، ج۵، ص۶۱.

همّت و شجاعت بود؛ هنگامی که رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم عازم خیبر بود، به حضور پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم آمد و عرض کرد: «یا رسول الله! دوست دارم با شما حرکت کنم و در میدان جنگ به معالجه مجروحین و مداوای بیماران و یاری مجاهدان پرداخته، از وسائل ایشان محافت نمایم و تشنگان را سیراب کنم». حضرت فرمود: «رواست؛ با زوجه من امّ سلمه حرکت کن»(۱).

ب. پرستاری بیماران

دومین مسؤلیتی که زنان عهده دار آن بودند، وظیفه پرستاری از بیماران جبهه است. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم همه نیروهای کارآمد را در جبهه به کار می گرفت و زنانی چون: امّ عطیّه(۲)، معاذه غفاریه(۳)، لیلای غفاریه(۴) و امّ سنان اسلمیه(۵) را به جبهه می برد تا علاوه بر مسئولیت معالجه مجروحین، وظیفه پرستاری بیماران را نیز عهده دار باشند.

۱- ریاحین الشریعه ، به نقل از الأستیعاب ، ج۳، ص ۴۱۰.

۲- الاصابه ، ج۴، ص۴۷۱؛ مسند احمد بن حنبل ، ج۴، ص۸۴: «و کانت تغزوا کثیراً مع رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم تمرض المرضی تداوی الجرحی».

۳- اعلام النساء ، ج۵، ص۶۱: «کانت انیساً به رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم تخرج معه فی الاسفار و تقوم علی المرضی و تداوی الجرحی».

۴- الاصابه ، ج۴، ص۴۰۲: «قال ابوعمر کانت تخرج مع النبی صلی الله علیه و آله و سلم فی مغازیه تداوی الجرحی و تقوم علی المرضی».

۵- ریاحین الشریعه ، ج۳، ص۴۱۰، به نقل از الاستیعاب .

ج. تدارکات و پشتیبانی جبهه

اشاره

یکی از مسایل حساس جبهه، وجود سازمان قوی و منظمی است که تأمین کننده نیازهای تدارکاتی جبهه باشد. هنگامی که مردان مشغول رزمند؛ زنان می توانند بدین مهم اقدام کنند؛ همچنان که در جنگ های صدر اسلام، با تمام تلاش خویش و به خوبی انجام وظیفه کردند. اینک مواردی از مشارکت زنان در تأمین نیازهای تدارکاتی و پشتیبانی جنگ های معصومین علیهم السلام را می آوریم.

۱. انتقال و حمل آب و غذا به جبهه

در جنگ احد، بسیاری از نیروهای مسلمانان فرار کرده بودند و پیامبر اسلام با تنی چند از یاران نزدیک خود، در برابر هجوم دشمن مقاوت می کرد. وضعیت سختی پیش آمده بود که چهارده تن از زنان مسلمان برای یاری رزمندگان روانه جبهه احد شدند. واقدی می نویسد:

محمّد بن مسلمه، همراه زنان به جستجوی آب پرداختند. اینان چهارده نفر بودند که فاطمه علیها السلام دختر پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم نیز با ایشان بود.

زنان، آب و غذا را بر پشت خویش می بردند و به درمان مجروحان می پرداختند و به آنان آب می دادند.(۱)

عمر بن الخطّاب درباره امّ سلیط گوید که وی در جنگ احد مشکهای آب را برای ما حمل می کرد.(۲)

ص:۱۸

۱- المغازی ، ج۱، ص۲۴۹.

۲- الاستیعاب ، در حاشیه الاصابه، ج۴، ص۴۶۳؛ تنقیح المقال ، ج۳، ص۷۳۳؛ صحیح بخاری ، ج۱۲، ص۱۵۳: «امره المبایعات حضرت مع رسول الله قال عمر بن الخطّاب: کانت تزفرلنا القرب یوم احد».

۲. آبرسانی

در متون تـاریخی، نـام شـش تن از زنـان مسـلمان به عنوان ساقیان رزمنـدگان به چشم می خورد که علاوه بر درمان مجروحان عهـده دار آبرسانی و سـقایت رزمنـدگان جبهه نیز بوده اند. اینان عبارت بودند از: امّ ایمن، امّ سـلیم، امّ کثیر، ربیع دختر معوذ، حمنه و نسیبه.

نسـیبه دختر کعب و مادر عماره و همسـر عزیه بن عمر، به همراه شوهر و دو پسـر خویش، در جنگ احد شرکت کرد. در آغاز نبرد، مشک آبی را برداشت و مجروحین را سـیراب می کرد. آنگاه با وضـعیت استثنایی جنگ، به نبرد پرداخت و دوازده زخم از شمشیرها و نیزه های دشمن بر او وارد آمد.(۱)

امّ کثیر، از دانشمندان عصر خود بود که در نبرد قادسیّه شرکت کرد. وی می گوید:

چون از مراحـل پایـانی جنـگ اطلاـع یـافتیم، چادرها را به کمر بستیم و چماقها و چوب دستیهای خود را به دست گرفتیم و به خطـوط مقـدّم جبهه شـتافتیم. هر یـک از مجروحـان را که می یـافتیم آب می دادیم و از زمین بلنـد می کردیم و می نشانـدیم ....(۲)

۳. آشپزی

تهیه غذای گرم برای رزمندگان، یکی از بهترین خدماتی بود که توسط زنان قهرمان صدر اسلام، در جبهه های نبرد حق انجام می شد و پیامبر

ص:۱۹

۱- المغازی ، ج۱، ص۲۶۸.

۲- اعلام النساء ، ج۴، ص۲۳۶.

اکرم صلی الله علیه و آله و سلم هم هیچ گونه مخالفتی با شرکت آنان نکرد.

امّ عطیّه گوید:

با رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم در هفت جنگ شرکت کردم و یکی از وظایفم تهیه غذا برای رزمندگان بود.(۱)

۴. نگهداری وسایل رزمندگان

هنگامی که رزمندگان اسلام، به سوی دشمن حمله ور می شوند، حفاظت و نگهداری اشیاء و وسایل آنان باید به عهده افرادی گذاشته شود. در صدر اسلام، گروهی از زنان، با پیشنهاد خودشان، همراه پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم در جبهه حضور می یافتند و انبارداری و کارهای دیگر جبهه را بر عهده می گرفتند.

امّ عطیّه گوید:

در هفت جنگ شرکت کردم و یکی از وظایف من حراست از وسایل سربازان اسلام بود.(۲)

امّ سنان اسلمیه نزد پیامبر آمد وبه منظور شرکت در جبهه و کمک به رزمندگان و محافظت از وسایل آنان تقاضای موافقت حضرت برای شرکت در جنگ را کرد و پیامبر پذیرفت.(۳)

۱- الطبقات الکبری ، ج۸، ص۴۵۵؛ مسند احمد بن حنبل ، ج۸، ص۸۴؛ نیل الاوطار ، ج۷، ص۲۸۹؛ جامع ترمذی ، ج۲، ص۳۸۸؛ سنن ابی داوود ، ج۳، ص۲۶.

۲- کنز العمال ، ج۴، ص۳۴۵.

۳- ریاحین الشریعه ، ج۳، ص۴۱، به نقل از الاستیعاب .

۵. تهیه دارو

تهیه دارو از کارهای بسیار ارزشمند و حیاتی زنان بود که در صحنه جنگ انجام می شد. امّ ابیه گوید: «یکی از کارهای ما در جنگ خیبر تهیه دارو برای معالجه رزمندگان مجروح بود».(۱)

۶. رسانیدن مهمّات به رزمندگان

یکی دیگر از وظایفی که تاریخ برای زنان قهرمان صدر اسلام ثبت کرده، رسانیدن مهمّات به خطوط مقدّم نبرد است.

امّ ابیه ضمن برشمردن فعالیت های خود در جنگ خیبر، گوید: «و نناولُ السّهام»(۲)، یعنی تیرها را برای رزمندگان فراهم می کردیم.

همچنین گوید: «نردُّهم السّهام»(۳)، یعنی تیرها را به آنان باز می آوردیم.

در جمله اول، سخن از آوردن تیرها و مهمّات برای رزمندگان اسلام به خطوط مقدّم است؛ ولی در جمله دوم، ممکن است جمع آوری تیرهای پرتاپ شده از سوی دشمن منظور باشد، تا جنگجویان تیرهای دشمن را علیه خود او به کار گیرند.

۷. تعمیر تجهیزات آسیب دیده

یکی از مسایل پشتیبانی، تعمیر تجهیزات آسیب دیده است. وجود یگانی به منظور راه اندازی مجدّد ابزار و تجهیزات آسیب دیده و از کار افتاده، موجب

۱- کنزالعمال ، ج۴، ص۳۴۵.

۲- اسدالغابه ، ج۵، ص۵۸۴.

۳- کنزالعمال ، ج۴، ص۳۴۵.

برتری توان رزمی نیروهاست.

امّ سنان اسلمیه یکی از زنان قهرمانی است که در جنگ خیبر حضور یافت. هنگامی که از حرکت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم به سوی خیبر آگاه شد، نزد رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم آمد و گفت:

ای پیامبر خدا! بسیار مایلم که در این نبرد در معیّت شما باشم تا مشک های آسیب دیده را تعمیر و اصلاح کنم ....(۱)

امّ سلیط از زنان انصار است که در جنگ های مختلف شرکت داشت. در جنگ احد به تعمیر وسایل و تجهیزات لشکریان اسلام می پرداخت.(۲)

۸. انتقال مجروحان به پشت جبهه

زنان مسلمان، در جنگ های صدر اسلام، مسئولیت انتقال مجروحان را نیز به عهده داشتند. آنان مجروحان را از صحنه درگیری به پشت جبهه می رساندند و اگر نیاز بیشتری به درمان و استراحت داشتند، آنان را به مدینه انتقال می دادند.

ربیعه دختر معوذبن عقراء از زنان متعهدی است که چنین مسئولیتی را عهده دار بود. وی گوید:

آن گاه که با رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم در جنگی شرکت می جستیم به رزمندگان خدمت کرده، آنان را سیراب می کردیم و مجروحان را

۱- اعلام النساء ، ج۲، ص۲۶۳.
۲- صحیح بخاری ، ج۱۲، ص۱۵۳.

به مدینه انتقال می دادیم.(۱)

و نیز درباره حمنه دختر جحش آورده اند که وی از زنان مهاجر بود و در جنگ احد حضور یافت. تشنگان را سیراب می کرد و حمل مجروحان و معالجه آنان را بر عهده داشت.(۲)

۹. تخلیه شهدا

یکی دیگر از وظایفی که زنان مسلمان در صدر اسلام عهده دار بودند تخلیه شهدا بود. آنان به هنگام درگیری و یا در پایان نبرد، به انتقال پیکرهای پاک شهدا مبادرت می کردند. در انجام این مسئولیت، با این که ممکن بود هر لحظه با پیکر پدر یا فرزند یا همسر یا برادر خویش روبرو شده، مضطرب شوند، ولی با کمال رشادت و شجاعت، شهدا را به پشت جبهه انتقال می دادند. حتی برخی از زنان، با اطلاع از شهادت عزیزان خود، با کسب اجازه از محضر رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم، پیکرهای پاک آنان را برای خاکسپاری به مدینه حمل می کردند.

ربیعه دختر معوذ می گوید: «با رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم عازم نبرد می شدیم ... و شهدا را به مدینه انتقال می دادیم»(۳).

انیسه با کسب اجازه از محضر پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم، فرزند شهیدش را از

۱- شرح صحیح مسلم بخاری ، ج۱۴، ص۱۶۸؛ الاصابه ، ج۴، ص۳۰۱؛ مسند احمد بن حنبل، ج۶، ص۳۵۸؛ اسد الغابه ، ج۵، ص۴۵۱؛ اعلام النساء ، ج۱، ص۴۴۲.
۲- اسد الغابه ، ج۵، ص۴۲۸.
۳- شرح صحیح مسلم بخاری ، ج۱۴، ص۱۶۸؛ قالت: «کنّا نغزوا مع رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم ... و نردُّ الجرحی القتلی الی المدینه».

جبهه احد به مدینه حمل کرد و او را در آن جا به خاک سپرد.

سعید بن عثمان می گوید:

انیسه دختر عدی، حضور پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم رسید و گفت: «یا رسول الله! فرزندم عبد الله بن سلمه از رزم آوران نبرد بدر، اینک در جنگ احد شهید شده است؛ دوست دارم او را به مدینه انتقال دهم و در آنجا به خاک سپارم تا مزارش نزدیک باشد و با وی انس گیرم.» پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم به او اجازه داد. انیسه پیکر پاک فرزند شهید خود را به همراه یکی دیگر از شهدای اسلام به نام مجدربن زیاد در عبایی پیچید و آن را به وسیله شتر به مدینه حمل کرد.(۱)

سمیرا دختر قیس، به همراه پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم در نبرد احد بود. پسرانش، نعمان و سلیم در این نبرد شهید شدند. وقتی از شهادت ایشان آگاه شد، پرسید: «پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم در چه حال است؟» گفتند: «شکر خدای را که به سلامت است؛ همانگونه که تو دوست داری». گفت: او را به من نشان دهید». چون حضرت را دید، گفت: «ای رسول خدا! در قبال سلامتی شما، هر مصیبتی تحمل پذیر است». آنگاه پیکر دو فرزند شهیدش را با شتری به مدینه انتقال داد. در بین راه، عایشه او را دید و پرسید: «در جبهه چه خبر است؟» سمیرا پاسخ داد: «خدای را شکر که پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم به سلامت است. البته خداوند گروهی از مؤمنان را به درجه شهادت رسانید و کافران را با خشم به هزیمت واداشت. آنان خیری ندیدند و خداوند متعال مؤمنان را از جنگ کفایت فرمود». عایشه پرسید: «این ها

۱- اسد الغابه ، ج۵، ص۴۰۶.

جنازه کیست؟» پاسخ داد: «دو پسر شهیدم».(۱)

هنـد دختر عمروبن حزام و همسـر عمروبن جموح، پیکر مطهر سه شـهید را به سوی مـدینه حمل می کرد. عایشه به او رسـید و گفت: «لابد اخبار حسّاسـی در دست داری. در جبهه چه خبر است؟» هند گفت: «خیر است، رسول خدا صـلی الله علیه و آله و سلم به سـلامت است. با سـلامتی وی، هر مصـیبتی اندک و قابل تحمل است. البته خداوند متعال گروهی از مؤمنان را به درجه شهادت رسانیـد». سپس این آیه را خوانـد: «و خداونـد، کافران را با همان خشم و غضبی که به مؤمنان داشـتند، بدون کمترین نفعی مأیوسانه بازگردانید، و خداوند جنگ را از مؤمنان کفایت فرمود، و خدا بسیار توانا و مقتدر است».(۲)

عایشه پرسید: «این جنازه ها، از چه کسانی هستند؟»

هند پاسخ داد: «برادرم و پسرم و شوهرم».

عایشه گفت: «آنان را به کجا می بری؟»

هند پاسخ داد: «برای خاکسپاری به مدینه می برم». آن گاه شتر را به سوی مدینه راند؛ ولی شتر به زانو درآمد.

عایشه گفت: «شاید طاقت حمل آنان را ندارد؟»

هند جواب داد: «نه اینگونه نیست. گاهی اوقات، بار دو شتر را حمل می کند. شاید دلیل دیگری داشته باشد».

۱- المغازی ، ج۱، ص۲۶۵.

۲- . (احزاب (۳۳): ۲۵).

عایشه گوید: «چون بار دیگر به شتر نهیب زد حیوان به پاخواست، و چون او را به سمت احد برگردانید. شتابان به راه افتاد».

هند ناچار نزد پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم برگشت و موضوع را به اطلاع حضرت رسانید. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: «آن شتر مأمور است. آیا عمرو بن جموح هنگام خروج از مدینه مطلبی نگفت؟»

هند پاسخ داد: «هنگام رفتن به جبهه، رو به قبله ایستاد و گفت: پروردگارا! مرا به خانواده ام بازمگردان و شهادت را روزی من قرار ده».

پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: به همین جهت، شتر از حرکت به سوی مدینه امتناع می ورزد». آنگاه حضرت صلی الله علیه و آله و سلم خطاب به اصحاب فرمود: «ای انصار! در میان شما نیکانی هستند که اگر خدای را سوگند دهند، خداوند اجابت می فرماید و عمروبن جموح از آنان است». و افزود: «ای هند! از زمانی که برادرت شهید شده است، فرشتگان بر او سایه افکنده اند و منتظرند که در چه مکانی به خاک سپرده می شود».

رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم، پس از خاکسپاری شهیدان به هند فرمود: «شوهرت عمروبن جموح و پسرت خلّاد و برادرت عبدالله، دوستان یکدیگر در بهشتند».

هند عرض کرد: «ای رسول خدا! دعا کن و از خدا بخواه که مرا نیز با آنان همنشین قرار دهد».(۱)

۱- ترجمه المغازی ، ج۱، ص۲۶۵.

نقش زنان در دوران امام علی علیه السلام

اشاره

در دوران زندگی علی علیه السلام نقش زنان مؤمن در حفظ اسلام چشمگیر بود. آن ها دفاع از پیشوای مسلمانان را یک وظیفه دینی می دانستند و زمانی که دشمنان علی علیه السلام قرار گذاشتند تا وی را در نماز غافلگیر کرده، به قتل برسانند، اسماء بنت عمیس بی درنگ این توطئه را به واسطه کنیز خود به امیر مؤمنان گزارش کرد.(۱)

ام سلمه – همسر محترم پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم– بارها از امام علی علیه السلام دفاع و تلاش کرد از رفتن عایشه و طلحه و زبیر برای آشوب جلوگیری نماید، هرچند آن ها به کار خود ادامه دادند(۲). مادر عبد الله بن عباس نیز یکی از همان زنان با تقواست که با فرستادن مردی از قبیله جهینه به نزد امیرمؤمنان علی علیه السلام خبر خروج طلحه و زبیر را به سوی بصره گزارش کرد.(۳)

در جنگ صفین گروهی از زنان مجاهد و فداکار با خطابه های آتشین خود در جمع رزمندگان، آنان را به جنگ تشویق می کردند، آن گونه که معاویه از این حرکت سخت به خشم آمد؛ زیرا این امر موجب تقویت روحیه یاران علی علیه السلام و تضعیف نیروهای دشمن شده بود. به نوشته آگاهان تاریخ، برخی زنان هوادار علی علیه السلام از درون لشکر معاویه گزارش تهیه کرده، به هر وسیله ممکن آن را به آگاهی علی علیه السلام

ص:۲۷

۱– بیت الاحزان ، ص ۱۳۲؛ المسترشد ، ص ۴۵۱؛ احتجاج طبرسی ، ج ۱، ص ۱۱۷.

۲– الجمل ، ص۱۲۴.

۳– الفصول المهمه ، ص۵۱.

می رساندند.(۱)

اینک شما را با نمونه هایی از این موارد آشنا می کنیم.

۱. دفاع از رهبری

اشاره

یکی از نقش های مهم زنان در حکومت علی علیه السلام مسأله حمایت از رهبر مسلمین بود؛ البته مسأله دفاع در شکل های گوناگون و از زنان بسیار با فضیلتی انجام می گرفت، همانند امّ سلمه همسر محترم پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و سلم.

الف. گفتگوی امّ سلمه با عایشه

شیخ مفید از ابی کبشه و یزیدبن رومان چنین روایت کرده است: هنگامی که عایشه برای بیرون آمدن به سوی بصره تصمیم گرفت به نزد ام سلمه در مکه رود. به وی گفت: ای دختر ابی امیه، تو بزرگ ام المؤمنین هستی و رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم در خانه تو می خورد و می آشامید و سهم ما را در خانه تو تقسیم می نمود و وحی در منزل تو نازل می شد. امّ سلمه به او گفت: ای دختر ابوبکر، به دیدن من آمدی و حال آن که تو به ملاقات من نمی آمدی ...! عایشه گفت: برادر و پسر برادرم به من خبر داده اند که آن مرد مظلوم کشته شده است و اکنون در بصره صد هزار مرد شمشیر به دست آماده فرمانند. آیا مصلحت می بینی که من و تو بیرون آییم؟ شاید پروردگار میان آن دو جماعت درگیر را اصلاح نماید.

۱- ر.ک: نقش زنان مسلمان در جنگ ، از همین نویسنده.

امّ سلمه گفت: ای دختر ابوبکر، از عثمان خونخواهی می کنی در حالی که تو از همه بیشتر با او مخالف بودی اگرچه اکنون ادعای برائت خویشتن می کنی؟ یا می خواهی امر خلافت پسر ابوطالب را نقض کنی؟ مهاجران و انصار از او تبعیت کرده اند. بدان که تو به منزله مسندی هستی میان رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم و امت او و پرده ای می باشی که بر حرم آن حضرت زده شده است و قرآن از تو دامن برچیده است. پس آن را از روی تکبر به روی زمین فرو هشته مکن. قرآن تو را در خانه خویش ساکن گردانیده است، پس از آن خود را آفتابی مکن. پروردگار نگهبان این امت است. رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم منزلت تو را به خوبی می دانست و اگر می خواست پیمانی به تو سپارد این کار را کرده بود و لیکن رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم تو را از سیر در شهرها و سرزمین ها منع کرده است. ستون اسلام اگر شکسته شود زنان نتوانند آن را سر و سامان دهند و اگر اسلام به تفرقه مبدل گردد هرگز با زنان به جمعیت مبدل نشود ... و تو چه خواهی گفت اگر رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم تو را در یکی از بیابان ها ببیند و تو سوار شتر جوانی باشی و از آبشخوری سوی آبشخوری دیگر بروی. حرکت تو در برابر دیدگاه خدا خواهد بود و بر رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم وارد خواهی شد در حالی که حجاب او را مهمل گذاشتی و پیمان او را رها کردی. به خدا سوگند، اگر تو در این مسیر قدم نهادی آن گاه به من بگویند که به بهشت وارد شو خجالت خواهم کشید که محمد صلی الله علیه و آله و سلم را ملاقات کنم در حالی که حجابی را که او بر من زده است دریده باشم ... اگر بر تو از سوی رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم در حق علی علیه السلام پنج چیز ذکر کنم

لبت را به دنـدان بگزیماننـد گزیـدن مار خالـداری که سـر به زیر افکنـده و دنـدان های منظم در دهان دارد. آیا به خاطر می آوری که هرگاه رسول خدا صـلی الله علیه و آله و سلم می خواست به سفر رود میان زنان خویش قرعه می انداخت. پس میان آن ها قرعه زد و قرعه به نام من و تو بیرون آمـد. پس ما با او بودیم و او از قـدید(۱) پایین می آمـد و علی هم با او بود و با او سخن می گفت و تو رفتی که بر او هجوم آوری و من به تو گفتم «رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم با پسر عموی خویش است، شاید با او کاری داشته باشد» اما تو حرف مرا نپذیرفتی و به سوی آن دو رفتی، ولی گریان برگشتی؟ چون علت را از تو پرسـیدم گفـتی که بر آن دو یورش برده ای و به علی گفته ای که رسول خـدا یـک روز از هر نه روز را به من اختصـاص داده است و تـو او را از من به خـود مشـغول نمـودی! پس به من خـبر دادی که پیـامبر به تو گفته است آیـا او را مبغوض می داری! کسی از خانواده یا از امت من او را دشمن نمی دارد مگر آن که از ایمان بیرون رفته باشد.ای عایشه این را به خاطر داری؟

عایشه گفت: آری. امّ سـلمه گفت: به خاطر داری روزی که رسول خدا صـلی الله علیه و آله و سـلم می خواست به سفر رود و من برای او جشیش(۲) فراهم می کردم، پیامبر گفت: ای کاش می دانستم که کدام یک از شما صاحب شتر پشت

۱- قدید، نام موضعی در مکه است (معجم البلدان یاقوت حموی، ج۴، ص۳۱۳).

۲- جو و گندم آرد شده ای است که در دیگ گذارند و در آن گوشت یا خرما بریزند و بپزند.

برآمده است و سگ های ناحیه حوأب بر او پارس می کنند. پس من دستم را از جشیش بلند کردم و گفتم به خدا پناه می برم که من باشم! پیامبر فرمود: سوگند به پروردگار، ناگزیر یکی از شما خواهید بود.ای حمیرا، از خدا بترس که صاحب آن شتر باشی. آیا این را به خاطر داری؟ عایشه گفت: آری ... .(۱)

ب. شادی حفصه و گریه امّ سلمه

هنگامی که نامه توهین آمیز عایشه نسبت به علی علیه السلام از بصره به دست حفصه دختر عمر بن الخطاب رسید، حفصه بسیار خوشحال گشت و به دنبال دختران و زنان فرستاد تا حضور به هم رسانند. سپس به دست کنیزان خود دایره هایی داد و دستورشان داد تا دایره بزنند و اشعار زشتی را درباره امیرمؤمنان بخوانند و دیگران شادی کرده، به ساحت مقدس آن حضرت جسارت نمودند. وقتی این خبر به گوش امّ سلمه رسید که حفصه عده ای از زنان را دعوت کرده و کف زنان به علی علیه السلام جسارت و هتاکی می کردند. او سخت گریست و فرمود لباس های مرا بیاورید تا به نزد آن ها رفته، کار زشتشان را نکوهش کنم.(۲)

ج. دخالت ام کلثوم و رسوا نمودن حفصه

دختر امیرمؤمنان که گریه و بیتابی امّ سلمه را دید گفت اجازه بدهید من به نیابت از شما به سوی آنان بروم. زیرا بهتر می توانم آبرویشان را برده،

۱- امّ سلمه ، ترجمه دکتر حریرچی، ص۳۹.

۲- الجمل ، ص۱۴۹.

جلسه را به هم بریزم. پس بدین منظور لباس های خود را به تن کرد و به همراه کنیزان خود به طور ناشناس به عنوان تماشاچی به محل برگزاری جلسه حرکت کرد و بر آن ها وارد شد. ام کلثوم با مشاهده این که آنان بی شرمی و یاوه گویی را از حد گذرانده اند نقاب خود را کنار زده، چهره اش را نزد آنان نمایان ساخت. سپس حفصه را مخاطب قرار داده، گفت: اگر امروز تو و خواهرت عایشه بر ضد امیر مؤمنان جبهه گرفتید و مخالفت نمودید، دیروز هم چنین کاری نسبت به برادر او، یعنی رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم داشتید که خداوند علیه شما دو نفر در قرآن نازل کرد، آن چه که بر پیامبر فرستاد. بدانید که خداوند در کمین شما است نسبت به این جنگی که به راه انداختید.

اینجا بود که حفصه بسیار شرمنده شد و گفت: اینان از روی نادانی از پیش خود چنین کاری انجام داده اند و در همان حال همه را متفرق ساخت و جلسه را به هم زد.(۱)

۲. تلاش برای خنثی سازی توطئه

امّ سلمه تلاش های فراوانی به منظور خنثی سازی توطئه دشمنان علیه حکومت امیرمؤمنان انجام داد و وقتی از هدایت عایشه مأیوس گردید در آخرین تلاش به فرستادگان طلحه و زبیر که از وی درخواست خونخواهی عثمان را کرده بودند چنین پیام فرستاد:

به خدا سوگند، به چنین چیزی نه من و نه عایشه دستور داده

۱- الجمل ، ص۱۴۹.

شده ایم؛ خدای از ما خواسته تا در خانه هایمان بنشینیم و به هیچ جنگ و قتالی خارج نشویم. با عنایت به این که اولیای عثمان کسان دیگری هستند غیر از ما، به خدا سوگند نه عفو کردن برای ما رواست و نه صلح و نه قصاص و تمام این ها مربوط به فرزندان عثمان است. افزون بر این، آیا ما با علی بن ابی طالب بجنگیم در حالی که او از آزمایش های بزرگ بر آمده و کسی است که بیشترین مشقت ها را دیده و او سزاوارتر از دیگران به این امر است. به خدا سوگند هرگز راه انصاف را نسبت به رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم درباره همسرانش در پیش نگرفتید که آن ها را به سوی عراق بیرون می برید و همسران خودتان را در خانه هایتان نگه می دارید.(۱)

۳. گزارش اخبار به رهبر

اشاره

یکی دیگر از نقش های بسیار مهم و سرنوشت ساز زنان در دوران حکومت و خلافت امیرمؤمنان علی علیه السلام گزارش هایی بود که به حضرت می دادند. این اخبار گاهی به منظور باخبر ساختن رهبر مسلمانان از تحریکات دشمن بر ضد نظام اسلامی، و گاهی اطلاع رسانی اخبار سرّی در جبهه و جنگ بوده است.

الف. نامه امّ سلمه به امیر مؤمنان علیه السلام

پس از گفتگوی طولانی امّ سلمه با عایشه چون وی نتوانست عایشه را از آشوب دور سازد، به ناچار به امیرمؤمنان نامه نوشت و در آن چنین خاطرنشان کرد:

پس از ستایش پروردگار، طلحه و زبیر و پیروان آن ها پیروان

۱- الجمل ، ص۱۲۴.

ظلالت انـد و می خواهنـد عایشه را به سوی بصـره بیرون برند و عبد الله بن عامر بن کریز هم میان آن هاست. اینان می خواهند بگویند که عثمان مظلوم کشته شده است و آن ها قصد خونخواهی او را دارند و خداوند به حول و قوّت خود برای رفع شرّ آن هـا کافی است و اگر پروردگار ما را از بیرون آمـدن منع نمی کرد و به خانه نشـینی فرمان نمی داد بیرون آمـدن به سوی تو را رها نمی کردم و تو را یاری می نمودم.(۱)

ب. نامه ام الفضل به امام علی علیه السلام

ابن الصباغ مالکی در این باره می نویسد: پس از خروج طلحه و زبیر و عایشه، ام الفضل (دختر حارث و مادر عبدالله بن عباس) مردی از قبیله جهینه را به نام ظفر، اجیر کرده، به نزد علی بن ابی طالب علیه السـلام به مدینه فرسـتاد تا وی را از خروج طلحه و زبیر و عایشه از مکه به سوی بصره آگاه سازد.(۲)

۴. گزارش اخبار نظامی به مقام فرماندهی

در نبرد صـفین همسر هیثم بن اسود که همراه وی در لشـکر معاویه آمده بود، اخبار و اسرار جنگی معاویه را به امیرمؤمنان می رساند. چنانچه در الغارات آورده است که: همسر هیثم بن اسود به همراه وی در صفین حضور داشت و اطلاعات لشکر معاویه را در پارچه ای می پیچید و مخفیانه بر گردن اسبان می آویخت و به قصد فروش آن ها را به سوی لشکر حضرت

۱- امّ سلمه ، دخیل، ص۴۴.

۲- الفصول المهمه ، ص۵۱.

امیر علیه السلام روانه می کرد. معاویه روزی از هیثم بن اسود پرسید: آیا همسر تو بود که اطلاعات ما را می نوشت و به گردن اسبان می آویخت و با فروش اسبان به لشکر علی علیه السلام اسرار ما را به علی گزارش می کرد؟ هیثم پاسخ داد: آری.(۱)

۵. فرستادن فرزندان به جبهه جنگ

اشاره

زنان در حکومت علی علیه السلام نه تنها از حضور فرزندان و همسران یا برادران خود در جنگها جلوگیری نکردند، بلکه خود بسیج کننده و تشویق گر آن ها برای رفتن به جبهه جنگ و طرفداری از علی بودند. گاهی هم با حضور در صحنه نبرد شاهد شهادت جگرگوشه هایشان بوده اند. امّ سلمه پس از ملاقات و گفتگویش با عایشه به مدینه برمی گردد تا نزدیک امام باشد و در حد امکان علی را در این آشوب یاری نموده، مهاجران و انصار را برای یاری و دفاع از امام آماده سازد.

الف. گسیل فرزند به نبرد

نوشته اند که ام سلمه پس از وداع با علی علیه السلام آن حضرت را مخاطب قرار داده، می گوید:

در حفظ و حراست پروردگار روان شو. سوگند به خداوند، تو بر حقی و حق هم با تو است و اگر از نافرمانی خدا و رسولش کراهت نداشتم با تو همراه می شدم و لیکن سوگند به خدا، برای تو

۱- نقش زنان مسلمان در جنگ ، ص ۷۱.

کسی را گسیل می کنم که او نزد من برتر است و بر من از خویشتن نیز عزیز است، او پسرم عمر است.(۱)

وی در نامه ای که از مکه برای علی می نویسد به این امر چنین اشاره می نماید:

پسر عمر بن ابی سلمه را که برابر من است به سوی تو می فرستم. ای امیر مؤمنان! او را سفارش به خیر کن.(۲)

ب. نظارت مادری بر کشته شدن فرزند خود

پیش از آغاز درگیری با پیمان شکنان بصره، امیر المؤمنین علیه السلام دو مرتبه بر آنان اتمام حجّت کرد و در مرتبه دوم رو به یاران خود کرده، فرمود: چه کسی این کتاب خدا را به دست گرفته، در مقابل گروه پیمان شکن ایستاده، آن ها را دعوت می کند؟ البته بداند که کشته خواهد شد و من از طرف خداوند بهشت را برای او ضامن می شوم. در این میان، جوانی به نام مسلم از قبیله عبدالقیس برخاست و اظهار آمادگی کرد.

حضرت تا سه مرتبه چنین می فرمود و همان جوان از جای برمی خواست و اظهار آمادگی می کرد. پس قرآن را از دست علی علیه السلام گرفت و با قرار گرفتن بین دو لشکر کتاب خدا را باز کرد و گفت: این کتاب قرآن است و امیرمؤمنان شما را بر آن چه که در او هست فرا می خواند. عایشه گفت: این جوان را تیرباران کنید، خداوند چهره اش را

۱- امّ سلمه ، ص۴۶.

۲- امّ سلمه ، ص۴۴.

زشت گرداند. آنان به دستور عایشه از هر سو به وی حمله کردند و او را از پای درآوردند. مادرش با دیدن این صحنه دلخراش و این همه قساوت و بی رحمی از پیمان شکنان، پیش آمد و خود را روی فرزندش انداخته، او را با کمک برخی یاران علی علیه السلام از معرکه بیرون برد و در مقابل علی علیه السلام قرارش داد و در حالی که می گریست این اشعار را به زبان آورد:

خدایا: فرزندم مسلم این ها را فرا خواند و بر آنان کتاب تو را بدون هیچ ترس و وحشتی خواند، ولی آن ها نیزه های خود را از خونش رنگین کردند در حالی که مادرش ایستاده و نظاره گر بود ... .(1)

۶. تحریک رزمندگان به جنگ با معاویه

اشاره

زنان در نبرد صفین با خواندن اشعار تهییج کننده و خطابه های آتشین رزمندگان اسلام را علیه لشکر طغیانگر تحریک می کردند. زنانی مجاهد و فداکار همچون بکاره هلالیه و ام الخیر و زرقاء و سوده این کار را در آن روزهای سخت و بحرانی به عهده داشتند.

الف. اشعار مهیّج بکاره هلالیه

بکاره هلالیه از بانوان قهرمانی بود که در نبرد صفین به طرفداری از امیرمؤمنان بر ضد معاویه و هوادارانش شعر می سرود و رزمندگان را تحریک می کرد. وی در یکی از روزهای دوران کهولت به همراه دو خدمتکار خود بر معاویه وارد شد. مروان بن حکم و عمر بن عاص که نزد معاویه نشسته بودند به یاد اقدامات بکاره در جنگ صفین افتاده،

۱- الجمل ، ص ۱۸۱.

زمان را برای تحریک معاویه بسیار مناسب دیدند. از این رو مروان گفت: ای امیرالمؤمنین، این زن را می شناسی؟ معاویه گفت: او کیست؟

مروان پاسخ داد: وی همان زنی است که در صفین مردم را بر ضد ما تحریک می کرد و اشعار مهیّج می سرود. آن گاه یکی پس از دیگری، سخانی درباره وی گفتند و ساکت شدند. بکاره لب به سخن گشود و گفت:

ای معاویه! سگهایت به یکباره هجوم آوردند و هر یک به نوبت پارس کردند. به خدا سوگند، فرد مورد نظر اینان من بودم و حرفهایشان را هرگز تکذیب نمی کنم. پس هر کاری که می خواهی انجام ده؛ زیرا پس از شهادت امیرمؤمنان علیه السلام هیچ خوشی در زندگی یافت نمی شود.(۱)

ب. تشویق برادر به جنگ با معاویه

سوده دختر عماره از زنانی بود که در جنگ صفین در تشویق نیروها به ویژه برادر خود نقش بسزایی داشته است. وی به قصد دیدار با معاویه وارد شام شد. پس از ورود، معاویه از او پرسید: ای دختر اشتر، حالت چگونه است؟

سوده پاسخ داد: به خیر و سلامت هستم. معاویه پرسید: تو بودی که در جنگ صفین برای تشویق برادرت در نبرد با ما ین اشعار را می سرودی و می گفتی: ای فرزند عماره! روزی که حریفان در میدان جنگ با یکدیگر روبرو شدند و نیزه پرتاب کردند، بسان پدرت تنور جنگ را داغ نگهدار.

۱- اعلام النساء ، ج ۱، ص ۱۳۷.

علی و فرزنـدش حسـین و پیروانش را یاری کن و با آرامش و اطمینان خاطر بجنگ و بر فرزندش معاویه حمله کن، زیرا برادر پیامبر حضـرت محمد مصـطفی صـلی الله علیه و آله و سلم امام علی بن ابی طالب علیه السلام امام و رهبر و پرچمدار هدایت و راهنمای ایمان ماست؛ لشکریان را رهبری کرده، در پیشاپیش پرچم آن حضرت با شمشیر و سرنیزه شجاعانه حرکت کن؟

سوده پاسـخ داد: البته این اشـعار از من است و شخصـیتی چون من به خاطر ترس، هرگز از حق رویگردان نمی شود و به دروغ زبان اعتذار نمی گشاید.

معـاویه گفت: چه چیز بـاعث شـد تا برادرت را این چنین بر ضـد من تشویق کنی؟ سوده گفت: تنها دوستی و محبت علی علیه السلام و پیروی از حق مرا بر آن داشت که چنین اشعاری بسرایم.

معاویه گفت: هرگز خاطره تلـخ جانبازیهای برادرت در راه علی از ذهنم محو نمی گردد و من از هیـچ طایفه ای به انـدازه قبیله شما و برادرت در این جنگ آسیب ندیدم.(۱)

۷. برگزاری کلاس درس و جلسه تفسیر

مورخـان نوشـته انـد: در مـدت زمـانی که امیر مؤمنـان در کوفه حضور داشت، دختـر بزرگوار آن حضـرت، زینب کبری علیها السـلام به ارشاد و تعلیم زنان کوفه اشـتغال داشت. از خصائص زینبیه نقل شده که زینب علیها السـلام در کوفه مجلس درسـی برای زن ها تشکیل داد و برای آن ها قرآن را تفسیر

۱- نقش زنان در جنگ ، ص۵۲.

می کرد و در یکی از روز ها به تفسیر سوره کهیعص مشغول بود که امیرمؤمنان علیه السلام از در وارد شد و از دخترش پرسید: «کهیعص» را تفسیر می کنی؟ عرض کرد: آری. علی علیه السلام فرمود: ای نور دیده، این حروف، رمزی است در مصیبت آینده شما عترت پیامبر.(۱)

۸. جلوگیری از کشته شدن استاندار علی علیه السلام

پس از تصرف بیت المال به دست فتنه گران و پیمان شکنان و دستگیری عثمان بن حنیف، استاندار علی علیه السلام در بصره، طلحه و زبیر به عایشه گفتند: درباره ابن حنیف چه دستوری می دهی؟ گفت: او را بکشید؛ خداوند او را بکشد. در این هنگام یک زن از اهل بصره به عایشه گفت: ای مادر! می دانی چه می گویی؟ آیا به کشته شدن عثمان بن حنیف دستور می دهی در حالی که برادرش سهل امیر مدینه است و همچنانکه می دانی او را جایگاهی است بین اوس و خزرج. به خدا سوگند، اگر چنین کنی او در مدینه به تلافی کشته شدن برادر خود، فرزندان قریش را خواهد کشت.

بدین سبب نظر عایشه بر این شد که به طور موقت او را به زندان فرستد و سرانجام از اقدامات تلافی جویانه برادرش در مدینه ترسیدند و از زندان آزادش کردند.(۲)

۹. چهل زن برای بردن عایشه به مدینه

پس از ختم غائله و فروکش کردن آشوب شورشیان بصره، امیر المؤمنین به

۱- زندگانی حضرت فاطمه و دختران آن حضرت ، ص۲۶۷.

۲- الجمل ، ص۱۵۳.

عایشه دستور بازگشت به مدینه را صادر کرد، اما او همچنان اصرار بر ماندن در بصره داشت. تا این که حضرت خود بر او وارد شد و فرمود: برگرد به خانه ای که پیامبر تو را در آن ترک کرد. عایشه گفت: نمی روم. حضرت فرمود: برمی گردی یا درباره ات سخنی بگویم که خود آن را می دانی؟ یعنی تو را [به وکالت از پیامبر طلاق می دهم] عایشه ترسید و ناچار آهنگ سفر کرد. آن حضرت چهل زن از قبیله عبدقیس را فراخواند و لباس مردانه در بر آن ها کرد و به مصاحبت عایشه به جانب مدینه روانه کرد. عایشه چون به مدینه رسید به او گفتند: علی علیه السلام با تو چه معامله ای کرد؟ گفت: به خیر و خوبی و لکن جمعی از مردان اجنبی را همراه من به جانب مدینه فرستاد. اینجا بود که آن زنان لباس خود را تغییر داده، عایشه دید این چهل نفر از زنان قبیله عبدقیس هستند... .(۱)

۱۰. بشارت فتح و پیروزی به ام هانی

پس از پیروزی علی و یارانش بر شورشیان بصره حضرت طی نامه ای به خواهرش ام هانی این پیروزی را به وی چنین بشارت می دهد:

سلام بر تو. حمد می کنم خدای را که جز او خدایی نیست. اما بعد: ما با گروه پیمان شکن در بصره روبرو گشته، به مصاف یکدیگر رفتیم. پس خداوند به حول و قوّتش به ما پیروزی و به آن ها سنت و روش ظالمان را عطا کرد. و در این میان طلحه و زبیر و عبدالرحمن بن عتاب و کسان زیادی از آن ها کشته شدند ....(۲)

۱- عایشه ام المؤمنین ، ص۶۵.

۲- الجمل ، ص۲۱۲.

۱۱. عزل کارگزار با گزارش یک زن

اربلی در کشف الغمه از سوده دختر عماره همدانیه ماجرای گفتگویش با معاویه را چنین نقل کرده است: به خدا سوگند، روزی بر امیرمؤمنان وارد شدم و قصد داشتم از فرماندار منصوب از طرف حضرت که در اخذ مالیات به ما ظلم کرده بود شکایت کنم. آن حضرت در حال نماز بود؛ همین که مرا دید نمازش را زودتر تمام کرد و با کمال لطف و مهربانی و بزرگواری به سوی من آمد و فرمود: حاجتی داری؟ عرض کردم: آری و ماجرا را شرح دادم.

امام گریست و در حالی که صورت خود را به طرف آسمان بالا برده بود، فرمود: خدایا، تو گواهی که من آنها را برای ستم به مردم دعوت نکرده ام. سپس قطعه پوستی گرفت و بر روی آن نوشت: «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَـانِ الرَّحِيم قَدْ جَاءَتْكُم بَيِّنَةٌ مِنْ رَبِّكُمْ فَأَوْفُوا الْكَيْلَ وَالْمِيزَانَ وَلَا تَبْخَسُوا النَّاسَ أَشْيَاءَهُمْ وَلَا تُفْسِدُوا فِي الْأَرْضِ بَعْدَ إِصْلَاحِهَا ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَكُمْ إِنْ كُنتُمْ مُؤْمِنِينَ».(۱) اگر نامه مرا خواندی آن چه را که در دست داری از آن نگه داری کن تا فردی که آن ها را از تو تحویل بگیرد بر تو وارد شود.

سپس حضرت آن نامه را به من داد در حالی که نه نامه را بست و نه لاک و مهرش کرد. من نامه را نزد آن شخص بردم و او از نزد ما در حالی بیرون رفت که عزل شده بود.(۲)

ص:۴۲

۱- اعراف (۷):۸۵.

۲- السیاسه من واقع الاسلام ، ص۱۲۸.

۱۲. مداوای مجروحان

یکی از وظایف مهم زنان مجاهد در صدر اسلام مداوای مجروحان جنگ بود. آن ها به درخواست خودشان در کنار پیامبر اسلام در جنگ احد و خندق(۱) و غیر آن حضور می یافتند و این سنت نیز در زمان علی علیه السلام ادامه یافت و در جنگ جمل شیرزنی به نام لیلای غفاریه همراه آن حضرت به بصره رفت تا به همین وظیفه بپردازد.

آن زن می گوید: من زنی بودم که به منظور مداوای مجروحان جنگی همراه پیامبر بیرون می رفتم. همین که جنگ جمل اتفاق افتاد به همراه علی بدین منظور به بصره رفتم.(۲)

نقش زنان در دوران غیبت صغری

در دوران سخت غیبت صغری، روزهایی که شیعیان پس از دویست و شصت سال با یک آزمایش بزرگ رو به رو بودند و می بایست به غیبت امام عادت می کردند، یک زن به عنوان مفزع و پناه معرفی می شود و آن مادر بزرگوار امام حسن عسکری علیه السلام است. در این دوره، اگر چه امام هادی علیه السلام و امام حسن عسکری علیه السلام زمینه غیبت را از پیش فراهم کرده

۱- از جمله کسانی که به منظور مداوای مجروحان به جبهه رفته اند: نسیبه دختر کعب، ام ابیه، ام ایمن، حمنه دختر جحش، ربیع دختر معوذ، ام زیاد، امیه دختر قیس، ام سلیم، معاذه غفاریه، ام سفان، اسلمیه و لیلای غفاریه می باشند. ر.ك: نقش زنان در جنگ از همین نویسنده، ص۱۹.

۲- سفینه البحار ، ج۱، ص۱۴۹.

بودند و شخصیت های مورد اعتمادی همانند عثمان بن سعید عمری و پسرش محمد بن عثمان را به عنوان وکیل معرفی کرده بودند، به دلایلی از موقعیت مادر امام حسن عسکری علیه السلام، - معروف به جده- استفاده شد و وی به پناه شیعه معروف گردید. از گفتگوی احمد بن ابراهیم با حکیمه -دختر امام جواد علیه السلام- بر می آید که پس از گذشت دو سال از رحلت امام حسن عسکری علیه السلام همچنان بسیاری از کارها به دست مادر بزرگوار امام حسن عسکری علیه السلام انجام شده است، ولی در حقیقت از سوی حضرت حجه بن الحسن علیه السلام و به فرمان آن حضرت بوده است.

شیخ صدوق; از احمد بن ابراهیم نقل کرده است که در سال ۲۶۲ بر حکیمه - دختر امام جواد علیه السلام- وارد شدم و از پس پرده با وی سخن گفتم و از او درباره اعتقادش به امامان پرسیدم. او همه آن ها را یکا یک شمرد و آن گاه حجه بن الحسن بن علی را نیز نام برد... . از او پرسیدم: این فرزند کجاست؟ گفت: در پس پرده غیب است. گفتم: پس شیعه به چه کسی پناه ببرد؟ گفت: به جدّه، مادر امام حسن عسکری علیه السلام؛ سپس افزود: این دستور از سوی امام حسن عسکری و به پیروی از امام حسین علیه السلام صورت گرفته است؛ زیرا امام حسین علیه السلام در ظاهر برای حفظ جان فرزندش امام سجاد به خواهرش زینب کبری علیها السلام وصیت کرد و در نتیجه، تا مدتی هر آنچه از امام زین العابدین علیه السلام صادر می گردید، به حضرت زینب علیها السلام نسبت داده می شد تا امر پنهان باشد(۱) و حساسیت ها نسبت به

۱- کمال الدین ، ج ۲،ص ۵۰۷ ؛ الغیبه شیخ طوسی، ص ۱۳۸.

امام سجاد علیه السلام کم تر شود. این امتیاز برای جدّه باقی بود تا آن که کسانی مانند عثمان بن سعد و دیگر سفرا و نایبان خاص امام زمان علیه السلام در بین شیعیان شناخته شدند و منزلت یافتند.

پس از شهادت امام عسکری علیه السلام یک بانو نظر دستگاه خلافت بنی عباس را نسبت به تعقیب امام زمان تغییر داد. نوشته اند پس از گزارش جعفر کذّاب به این که در خانه امام حسن عسکری علیه السلام فرزند خردسالی از آن حضرت باقی مانده است، آن ها به خانه امام هجوم بردند و پس از دستگیری صیقل (یکی از کنیزان امام) فرزند خردسال را از او مطالبه کردند. او نخست انکار کرد و آن گاه برای این که موضوع برای آن ها پوشیده بماند، گفت: من حامله هستم؛ از این رو، آن کنیز را به دست أبی الشوارب، قاضی وقت، سپردند تا از او مراقبت کند. در مدتی که صیقل زیر نظر قاضی نگهداری می شد، دستگاه خلافت با مرگ عبید بن خاقانی و شورش صاحب الزنج رو به رو شد و صیقل از وضعیت آشفته سود جست و فرار کرد.(۱)

نقش زنان در حکومت امام زمان علیه السلام

اشاره

حال سزاوار است بدانیم زنان در حکومت قائم آل محمد علیه السلام چه می کنند، چه کسانی هستند، چند نفرند، از کجا می آیند و چه مسئولیتی بر عهده دارند؟ بر اساس برخی روایات، حضور و نقش این زنان از نظر زمان و موقعیت، چهار گونه است:

۱- کمال الدین ، ج ۲،ص ۴۷۶.

الف. حضور پنجاه زن در بین یاران امام علیه السلام

اولین گروه از زنانی که به محضر امام زمان می شتابند، آنهاینـد که در آن ایام می زیسته انـد و همانند دیگر یاران امام علیه السلام به هنگام ظهور در حرم امن الهی به خدمت امام علیه السلام می رسند. در این باره دو روایت وجود دارد:

روایت اول: امّ سلمه ضمن حدیثی درباره علایم ظهور، از پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم روایت کرده است که فرمود: «یعوذ عائذ من الحرم فیجتمع الناس الیه کالطیر الوارده المتفرقه حتی یجتمع الیه ثلاث مأه و اربعه عشر رجلاً فیه نسوه فیظهر علی کل جبار و ابن جبار ...؛(۱) در آن هنگام پناهنده ای به حرم امن الهی پناه می آورد و مردم همانند کبوترانی که از چهار سو به یک جهت هجوم می برند، به سوی او جمع می شوند تا این که در نزد آن حضرت سیصد و چهارده نفر گرد می آیند که برخی از آنان زن می باشند، و بر هر جبار و جبار زاده ای پیروز می شود».(۲)

روایت دوم: جابر بن یزید جعفی، ضمن حدیث مفصلی از امام باقر علیه السلام در بیان برخی نشانه های ظهور آورده است: «و یجیئ و الله ثلاث مأه و بضعه عشر رجلاً فیهم خمسون امراه یجتمعون بمکه علی غیر میعاد قزعاً کقزع الحزیف یتبع بعضهم و هی الایه التی قال الله: «اینما تکونوا یأت بکم الله جمیعاً ان الله عل کل

۱- مجمع الزوائد ، ج ۷، ص ۳۱۵ ؛ معجم احادیث الامام المهدی ، ج ۱، ص ۵۰۰.

۲- مجمع الزوائد ، ج ۷، ص ۳۱۵ ؛ معجم احادیث الامام المهدی ، ج ۱، ص ۵۰۰.

شئ قدیر» ...؛(۱) به خدا سوگند، سیصد و سیزده نفر می آیند که پنجاه نفر از این عده زن هستند که بدون هیچ قرار قبلی در مکه کنار یکدیگر جمع خواهند شد؛ این است معنای آیه شریفه: «هر جا باشید خداوند همه شما را حاضر می کند؛ زیرا او بر هر کاری توانا است».

پنجاه زن از سیصد و سیزده نفر!

نکته شگفت دراین دو روایت این است که می فرماید سیصد و سیزده مرد گرد می آیند که پنجاه نفر ایشان زن هستند!

دوم آن که: در روایتی که نام یاران بر شمرده شده است، نام هیچ زنی وجود ندارد.(۲)

در پاسخ این شبهه می توان گفت: این چند نفر در زمره همان سیصد و سیزده نفر هستند؛ زیرا اولاً: امام علیه السلام می فرماید: «فیهم »؛ یعنی در این عده، پنجاه زن وجود دارند. ثانیاً: شاید تعبیر به «مردان» بدین سبب باشد که بیشتر این افراد مرد هستند و این کلمه از باب فزونی عدد مردان است.

سوم: اگر مقصود همراهی خارج از این عده بود، امام می فرمود: «معهم» نه این که بفرماید «فیهم»؛ زیرا این سیصد و سیزده نفر مانند عدد اصحاب بدر شمرده شده اند و همه، یاران و فرماندهان عالی رتبه و از نظر مقام و قدرت در حد بسیار بالایی هستند که برخی با ابر جا به جا می شوند، و این ها بدون شک با سایر مردم آن زمان فرق بسیار

۱- بحار الانوار ، ج ۵۲،ص ۲۲۳.

۲- دلائل الامامه ، ص۳۱۴.

دارند؛ بنا بر این، اگر بگوییم آن ها جزو همان سیصد و سیزده نفر هستند، دارای رتبه و موقعیت ویژه می باشند و اگر در زمره یاران دیگر حضرت باشند، از امتیاز کم تری برخوردارند.

ب. زنان آسمانی

دسته دوم، چهار صد بانوی بر گزیده هستند که خداوند برای حکومت جهانی حضرت ولی عصر علیه السلام در آسمان ذخیره کرده است و با ظهور آن حضرت به همراه حضرت عیسی علیه السلام به زمین می آیند.

ابوهریره از پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم روایت کرده است: «ینزل عیسی بن مریم علی ثمان ماه رجل و اربع مائه امرأه خیار من علی الارض و أصلح من مضی؛(۱) عیسی بن مریم به همراه هشتصد مرد و چهار صد زن از بهترین و شایسته ترین افراد روی زمین فرود خواهد آمد».

در این که این زنان از امت های پیشین هستند یا از امت اسلامی زمان پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و معصومین علیه السلام و یا از دوران های مختلف، و نیز این که از چه زمان و به چه علت به آسمان برده شده اند و برای عهده داری منصبی در حکومت حضرت می آیند یا برای مسایل دیگر، پرسش هایی است که این حدیث درباره آن ها چیزی نمی گوید.

ج. رجعت زنان

اشاره

سومین گروه از یاران حضرت بقیه الله علیه السلام زنانی هستند که خداوند به

۱- معجم الامام المهدی ، ج ۱، ص۵۳۴ ؛ به نقل از فردوس الاخبار ، ج ۵، ص ۵۱۵.

برکت ظهور امام زمان آن ها را زنده کرده و به دنیا باز می گرداند. این گروه دو دسته اند: برخی با نام و نشان از زنده شدنشان خبر داده شده و برخی دیگر فقط از آمدنشان سخن به میان آمده است.

پیش از ادامه بحث، به عقیده شیعه درباره رجعت می پردازیم.

یکی از عقاید مسلّم شیعه این است که همزمان با ظهور مهدی آل محمد علیه السلام برخی پیامبران مانند پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم و معصومین مانند امیر مؤمنان علیه السلام و امام حسین علیه السلام و برخی از مؤمنان حقیقی و پیروان اهل بیت علیه السلام به اذن پروردگار زنده خواهند شد و بار دیگر به دنیا باز می گردند. این گونه بازگشت نه تنها غیر ممکن نیست، بلکه از دیدگاه قرآن کریم امری مسلم است. درسوره بقره می خوانیم:

آیا ندیدی جمعیتی را که از ترس مرگ از خانه های خود فرار کردند و آنان هزاران نفر بودند؟! خداوند به آن ها گفت بمیرید؛ سپس خدا آن ها را زنده کرد و ماجرای زندگی دوباره آن ها را درس عبرتی برای آیندگان قرار داد ...(۱).

همچنین قرآن کریم در آیه ای دیگر می فرماید:

یا همانند کسی که از کنار یک آبادی ویران شده عبور کرد، در حالی که دیوارهای آن به روی سقف ها فرو ریخته بود و اجساد و استخوان های آن در هر سو پراکنده بود. [او با خود] گفت: چگونه خداوند آن ها را پس از مرگ زنده می کند؟! در این هنگام خدا او را یکصد سال میراند، سپس زنده کرد و به او گفت: چه

۱- بقره (۲): ۲۴۳.

قـدر درنـگ کردی؟ گفت: یـک روز یـا بخشـی از یـک روز. فرمود: نه، بلکه یکصـد سـال درنگ کردی. نگاه کن به غـذا و نوشـیدنی خود چه همراه داشتی و [باگـذشت سالهـا] هیـچ گونه تغییر نیـافته است؛ ولی به الاغ خود نگاه کن که چگونه از هم متلاشـی شـده است. این زنـده شدن تو پس از مرگ، هم برای اطمینان خاطر تو است و هم برای این که تو را نشانه برای مردم قرار دهیم. اکنون به اسـتخوان هـای مرکب خود نگاه کن که چگونه آن ها را برداشـته، به هم پیونـد می دهیم و گوشت بر آن می رویانیم. هنگامی که این حقایق بر او آشکار شد، گفت: می دانم خدا بر هر کاری تواناست.(۱)

سید مرتضی علم الهدی در این باره می نویسد:

علت این که شیعه عقیده دارد خداوند در زمان ظهور امام زمان علیه السلام برخی مردگان را زنده می گرداند، این است که به ثواب یاری امام زمان نایل شوند و دولت حق آل محمد را که در انتظار آن بوده اند، از نزدیک شاهد باشند و انتقام عده ای از ظالمان را با چشم ببینند و از ظهور حق و اعتلای کلمه توحید لذت ببرند.(۲)

در منابع معتبر اسـلامی نام سـیزده زن یاد می شود که به هنگام ظهور قائم آل محمد علیه السـلام زنده خواهند شد و در لشـکر امام زمان به مداوای مجروحان جنگی و سرپرستی بیماران خواهند پرداخت.

ص:۵۰

۱- بقره (۲): ۲۵۹.

۲- سفینه البحار ، ج۱، ص ۵۱۱.

طبری در دلائل الامامه، از مفضل بن عمر نقل کرده که امام صادق فرمود: همراه قائم آل محمد علیه السلام سیزده زن خواهند بود. گفتم: آن ها را برای چه کاری می خواهد؟

فرمود: به مداوای مجروحان پرداخته، سرپرستی بیماران را بر عهده خواهند گرفت. عرض کردم: نام آن ها را بفرمایید.

فرمود: قنواء، دختر رشید هجری، ام ایمن، حبابه والبیه، سمیه، مادر عمار یاسر، زبیده ام خالد احمسیه، ام سعید حنفیه، صیانه ماشطه، و ام خالد جهنیه.(۱)

صیانه ماشطه در زمان حضرت موسی می زیسته است و مادر عمار یاسر در ابتدای بعثت به شهادت رسید. حبابه در زمان علی علیه السلام و قنواء در زمان امام حسن و امام حسین علیه السلام و بقیه در زمان های دیگر زندگی می کرده اند.

این گروه سیزده نفری رجعت خواهند کرد و خداوند برای قدردانی از آن ها، به برکت امام زمان آن ها را زنده خواهد کرد.

در این روایت، امام صادق علیه السلام از آن سیزده زن تنها نام نه نفر را یاد می کند. در کتاب خصایص فاطمی(۲) به نام قنواء و ام ایمن و نسیبه، دختر کعب مازنیه، و در کتاب منتخب البصائر به نام وتیره و احبشیه اشاره شده است.(۳)

۱- دلائل الامامه ، ص ۲۶۰.

۲- ریاحین الشریعه ، ج ۵، ص ۴۱: به نقل از خصایص فاطمیه .

۳- چشم اندازی از حکومت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف ، ص ۷۴: به نقل از بیان الائمه ، ج۳، ص ۳۳۸.

جز این سه نفر، نام دیگری به میان نیامده است.

زنان سر افراز

اشاره

اینک به اختصار به شرح حال برخی زنان نام برده می پردازیم.

۱. صیانه ماشطه

او یکی از همان سیزده بانویی است که در دولت حضرت مهدی علیه السلام زنده شده، به دنیا باز می گردد. وی همسر حزقیل – پسر عموی فرعون– و شغلش آرایشگری دختر فرعون بود. او همانند شوهرش به پیامبر زمان خود – حضرت موسی– ایمان آورده بود، ولی همچنان ایمان خود را پنهان می کرد.

نوشته اند: روزی وی مشغول آرایش دختر فرعون بود که شانه از دستش افتاد و بی اختیار نام خدا را بر زبان جاری ساخت. دختر فرعون گفت: آیا نام پدر مرا بر زبان آوردی؟ گفت: نه، بلکه نام کسی را بر زبان آوردم که پدر تو را آفریده است. دختر فرعون ماجرا را نزد پدر بازگو کرد و فرعون صیانه را احضار کرد و گفت: مگر به خدایی من اعتراف نداری؟ گفت: هرگز! من از خدای حقیقی دست نمی کشم و تو را پرستش نمی کنم.

فرعون دستور داد تا تنور مسی برافروزند و همه بچه های آن زن را در حضورش در آتش افکنند. چون نوبت به طفل شیر خوارش رسید، صیانه می خواست به ظاهر از دین برائت جوید که کودک شیرخوارش به زبان آمد و گفت: مادر صبر کن که تو بر حق هستی! فرعونیان آن زن و بچه شیرخوارش را در آتش افکنده، سوزاندند و خداوند در اثر صبر و تحمل آن

زن در راه دین، او را در دولت امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف زنده می گرداند تا هم به آن حضرت خدمت کند و هم انتقام خود را از فرعونیان بگیرد.

۲. سمیه، مادر عمار یاسر

وی هفتمین نفری بود که به اسلام گروید و بدین سبب، دشمن سخت به خشم آمد و بدترین شکنجه ها را بر او روا داشت.(۱)

او و شوهرش یاسر در دام ابوجهل گرفتار آمدند و او نخست آن ها را وادار کرد که به پیامبر خدا دشنام دهند، آن ها به چنین کاری راضی نشدند. او نیز زره آهنی به سمیه و یاسر پوشانید و آن ها را در آفتاب سوزان نگه داشت. پیامبر که گاه از کنارشان عبور می کرد، آن ها را به صبر و مقاومت سفارش می کرد و می فرمود: «صبراً یا آل یاسر فان موعدکم الجنه؛ای خاندان یاسر، صبر پیشه سازید که وعده گاه شما بهشت است». سرانجام ابو جهل بر هر یک ضربتی وارد کرد و ایشان را به شهادت رساند.(۲)

خداوند این زن را به پاداش صبر و مجاهدتی که در راه اعتلای اسلام نشان داد و بدترین شکنجه را از دشمن خدا تحمل نمود، در ایام ظهور مهدی آل محمد علیه السلام زنده خواهد کرد تا تحقق وعده الهی را ببینند و در لشکر ولی خدا به یاوران آن حضرت خدمت کند.

۱- اسد الغابه ، ج۵، ص ۴۸۱.

۲- ریاحین الشریعه ، ج۴، ص ۳۵۳.

۳. نسیبه، دختر کعب مازنیه

او معروف به «ام عماره» و از زنان فداکار صدر اسلام است که در برخی جنگ های پیامبر اسلام علیه السلام شرکت جسته و مجروحان جنگی را مداوا کرده است. او در جنگ احد بهترین نقش را ایفا کرد. با دیدن صحنه فرار مسلمانان و تنها گذاشتن پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم به دفاع از جان شریف آن حضرت پرداخت و در این راه بدنش زخم هایی فراوان برداشت.

پیامبر عزیز این فداکاری را ستوده و به فرزندش عماره چنین فرمود: امروز، مقام مادر تو از مردان جنگی والاتر است.(۱)

پس از فروکش کردن جنگ، نسیبه با سیزده زخم (۲) سنگین به همراه دیگر مسلمانان به خانه بازگشت و به استراحت پرداخت. با شنیدن فرمان پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و سلم که فقط مجروحان جنگ باید به تعقیب دشمن بشتابند، نسیبه از جای برخاست و آماده رفتن شد، ولی به دلیل شدت خونریزی نتوانست شرکت کند. همین که پیامبر از تعقیب دشمن بازگشت، پیش از آن که به خانه برود، عبدالله بن کعب مازنی را برای احوال پرسی نسیبه و سلامتی وی به نزد او فرستاد و چون از سلامتی وی آگاه شد، شادمان موضوع را به پیامبر خبر داد.(۳)

نسیبه از کسانی است که برای یاری امام مهدی علیه السلام زنده خواهد شد.(۴)

۱- مغازی واقدی ، ج۱، ص ۲۷۳.

۲- مغازی واقدی ، ج ۲، ص ۲۶۸.

۳- مغازی واقدی ، ج ۱، ص ۲۷۰.

۴- ریاحین الشریعه ، ج ۵، ص ۴۱؛ به نقل از خصایص فاطمه .

۴. امّ ایمن

از زنان پرهیزگار و خدمتکار حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم است. پیامبر به او «مادر» خطاب می کرد و می فرمود: «هذه بقیه اهل بیتی؛(۱) این زن، باقی مانده ای از خاندان من است». وی همواره در کنار زنان مجاهد، درجبهه جنگ به مداوای مجروحان می پرداخت.(۲)

ام ایمن از شیفتگان خاندان امامت بود و در ماجرای فدک، حضرت زهرا علیه السلام او را به عنوان شاهد معرفی کرد. وی پنج یا شش ماه پس از پیامبر از دنیا رفت.(۳)

خداوند به برکت مهدی آل محمد علیه السلام به هنگام ظهور، او را زنده می گرداند تا در لشکرگاه امام به خدمت گماشته شود.

۵. امّ خالد

در روایات، دو بانو بدین نام مشهور شده اند: ام خالد احمسیه و ام خالد جهنّیه.شاید مقصود ام خالد مقطوعه الید (=دست بریده) باشد که یوسف بن عمر، پس از به شهادت رساندن زید بن علی بن الحسین در کوفه، دست او را به جرم شیعه بودن قطع کرد. در کتاب رجال کشّی درباره شخصیت و مقام این زن فداکار از امام صادق علیه السلام مطلبی ذکر گردیده که دارای اهمیت است. ابو بصیر گوید: در خدمت امام صادق علیه السلام نشسته بودیم که ام خالد مقطوعه الید از راه رسید. حضرت فرمود: ای

۱- چشم اندازی از حکومت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف ، ص ۷۶؛ تهذیب الکمال ، ج ۳۵، ص۳۲۹.
۲- نقش زنان مسلمان در جنگ ، ص۲۰.
۳- قاموس الرجال ، ج ۱۰، ص۳۸۷.

ابابصیر، آیا میل داری سخن ام خالد را بشنوی؟ من عرض کردم: آری،ای فرزند رسول خدا، با شنیدن آن شادمان می گردم... در همان موقع ام خالد به خدمت امام آمد و سخن گفت. دیدم وی در کمال فصاحت و بلاغت سخن می گوید؛ سپس حضرت درباره موضوع ولایت و برائت از دشمنان با او گفتگو کرد.(۱)

۶. زبیده

مشخصات کاملی از او نقل نشده است و احتمال دارد زبیده زن هارون الرشید باشد که شیخ صدوق; درباره اش گفته است: وی یکی از هواداران و پیروان اهل بیت علیهم السلام است. هنگامی که هارون دانست از شیعیان است، قسم خورد طلاقش دهد. زبیده کارهای خدماتی بسیاری داشت که یکی آبرسانی به عرفات است. همچنین نوشته اند وی یکصد کنیز داشت که پیوسته مشغول حفظ قرآن بودند و همیشه از محل سکونت او صدای تلاوت قرآن شنیده شد. زبیده در سال۲۱۶ ق رحلت کرد.(۲)

۷. حبّابه والبیه

از زنان والامقامی است که دوره زندگی هشت امام معصوم را درک کرد و پیوسته مورد لطف و عنایت ایشان قرار داشت. در یک یا دو نوبت به وسیله امام زین العابدین و امام رضا علیه السلام جوانی اش به او بازگردانده شد. اولین ملاقات وی با امیر مؤمنان علیه السلام بود که از آن حضرت دلیلی بر امامت درخواست کرد.

ص:۵۶

۱- ریاحین الشریعه ، ج۳، ص۳۸۱؛ به نقل از تنقیح المقال مامقانی.

۲- تنقیح المقال ، ج۳، ص ۷۸.

حضـرت در حضـور وی سـنگی را برداشت و بر آن مهر خود را نقش کرد و اثر آن مهر در سـنگ جـای گرفت و به او فرمود: پس از من هر که توانست در این سـنگ چنین اثری بر جـای بگـذارد، او امام است؛ از این رو، حبابه پس از شـهادت هر امامی نزد امام دیگر می رفت و آنان مهر خود را بر همان سـنگ می زدند و اثر آن نقش می بست. نوبت که به امام رضا علیه السلام رسید حضرت نیز چنین کرد. حبابه نه ماه پس از رحلت امام رضا علیه السلام زنده بود و پس از آن بدرود حیات گفت.(۱)

روایت شـده است که وقتی حبابه به خـدمت امام زین العابـدین علیه السـلام رسـید، یکصد و سـیزده سال از عمرش سپری شده بود. حضرت با انگشت سبابه خود اشاره ای نمود و جوانی اش بازگشت.(۲)

همچنین نوشته اند: صورت حبابه از زیادی سجود سوخته و از عبادت همانند چوب خشکیده ای شده بود.(۳)

۸. قنواء

دختر رشـید هجری، یکی از شـیعیان و پیروان علی علیه السـلام و خود از یـاران با وفای حضـرت امام جعفر صادق علیه السـلام است(۴). وی دختر بزرگمردی است که در راه محبت و دوستی امیر مؤمنان به طرز دلخراشـی به شـهادت رسید. از گفتار شیخ مفید بر می آید که قنواء به هنگام ورود پدرش نزد

۱- سفینه البحار ، ج ۱، ص۲۰۴.
۲- سفینه البحار ، ج ۱، ص۲۰۴.
۳- سفینه البحار ، ج ۱، ص۲۰۴.
۴- جامع الرواه ، ج ۲، ص۴۵۸؛ رجال شیخ طوسی ، ص ۳۴۱.

عبیدالله بن زیاد شاهد قطع دو دست و دو پای پدر خود بوده و به کمک دیگران بدن نیمه جان پدر را از دار الاماره بیرون آورده و به خانه منتقل کرده است. روزی قنواء به پدرش گفت: پدر جان! چرا این همه خود را به رنج و مشقت عبادت می اندازی؟ پدر در پاسخ گفت: دخترم، پس از ما گروهی خواهند آمد که بینش دینی و شدت ایمانشان از ما _ که این همه خود را به زحمت عبادت انداخته ایم _ بیشتر است.(۱)

د. بانوان منتظِر

چهارمین گروه یاوران امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف بانوان پرهیزکاری هستند که پیش از ظهور آن حضرت رحلت کرده اند. به ایشان گفته می شود امام تو ظاهر گشته است، اگر مایلی می توانی حضور داشته باشی. آنان نیز به اراده پروردگار زنده خواهند شد.

رجعت زنان، مربوط به گروه خاصی نیست و هر بانویی که خود را با خواسته ها و شرایط زندگی در حکومت مهدی آل محمد علیه السلام تطبیق دهد، ممکن است در آینده از رحمت خداوندی بهره مند گشته، برای یاری امام زنده شود. یکی از آن شرایط، خواندن دعای عهد است که در فرد، نوعی آمادگی برای پذیرش حکومت آخرین ذخیره الهی ایجاد می کند. به فرموده امام صادق علیه السلام: هر کس چهل صبح دعای عهد را بخواند، از یاوران قائم ما باشد و اگر پیش از ظهور آن حضرت از دنیا برود، خداوند او را از قبر بیرون آورد تا در خدمت آن حضرت باشد....(۲)

۱- اختصاص ، ص۷۳و۷۲.

۲- سفینه البحار ، ج۲، ص۲۹۴.

انتظار فرج

یکی از شرایط حضوردر حکومت بقیه الله و توفیق دیدار با آن حضرت، انتظار فرج است؛ یعنی آمادگی کامل برای پذیرش حکومت حق و آراستن به آنچه حضرت مهدی علیه السلام می گوید و می خواهد. انتظار فرج، یعنی نفی هرگونه سلطه از بیگانگان و مبارزه با افکار انحرافی و فساد اخلاقی و در یک کلام انتظار فرج، یعنی بیزاری از دشمنان خدا و پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و معصومین علیهم السلام. بی سبب نیست که انتظار از بهترین اعمال شمرده شده است، بلکه فرد منتظِر دولت مهدی همانند کسی است که در پیش روی رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم شهید گشته و در خون خود غلتیده است و اگر بر همان حالت انتظار از دنیا برود، بسان کسی است که در خیمه مهدی فاطمه علیه السلام می باشد.

ابو بصیر از امام صادق علیه السلام روایت کرده است که آن حضرت روزی فرمود: آیا شما را خبر ندهم از چیزی که خداوند عملی را بدون آن از بندگانش نمی پذیرد؟ گفتیم: آری. فرمود: شهادت بر یگانگی خدا و رسالت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و اقرار به آنچه که خداوند فرموده، از دوستی ما و بیزاری از دشمنان و اطاعت و پیروی از ما و نیز داشتن ورع، پرهیزکاری و انتظار کشیدن برای قائم علیه السلام، آن گاه فرمود: به درستی که برای ما دولتی است که خداوند آن را هر زمان که اراده کند، برقرار می سازد؛ سپس افزود: هر کسی که دوست دارد از یاران قائم علیه السلام ما باشد، باید در انتظار به سر برد و خود را به ورع و محاسن اخلاق بیاراید، و اگر در همان حال بمیرد، برای او اجری همانند کسی است که آن حضرت را درک کرده

ص:۵۹

باشد.(۱)

آخرین سخن

بانوان گرامی، خواهران مسلمان!

اگر می خواهید در زمره یاران امام زمان باشید... اگر می خواهید یکی از آن پنجاه زن باشید... اگر می خواهید یکی از آن چهارصد نفری باشید که همراه عیسی از آسمان فرود می آیند...، اگر می خواهید به اراده پروردگار و برای دیدار گل روی مهدی فاطمه بار دیگر به دنیا باز گردید...، اگر می خواهید فرد مفیدی در حکومت مهدی علیه السلام باشید، بیایید از همین لحظه با قائم آل محمد علیه السلام پیمان ببندید و رابطه خود را با او محکم کنید و خود را با برنامه ها و خواسته های مهدی علیه السلام تطبیق دهید و بدانید که امام زمان جز راه جدش پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و امیرالمؤمنین علیه السلام نمی رود.

به امید حضور و دیدار او

۱- منتهی الآمال ، ج۲، ص۴۸۶؛ به نقل از الغیبه نعمانی .

فهرست منابع

۱.ابن عبد اکبر، الاستیعاب، دارالتراث، بیروت.

۲.احمد بن حنبل، مسند احمد، دار صادر، بیروت.

۳.اردبیلی، محمدعلی، جامع الرواه، منشورات مکتبه المرعشی، قم.

۴.اسفراینی، یعقوب بن اسحاق، مسند ابی عوانه، دارالمعرفه، بیروت.

۵.بخاری، محمد بن اسماعیل، صحیح بخاری، دار المعرفه، بیروت.

۶.بصری، محمد بن سعد، الطبقات الکبری، دار صادر، بیروت.

۷.ترمزی، محمدبن عیسی، الجامع الصحیح، دار احیاء التراث العربی، بیروت.

۸.جزری، ابن اثیر، اسد الغابه، المکتبه الاسلامیه، طهران.

۹.جزری، ابن اثیر، الإصابه، دار احیاء التراث العربی، بیروت.

۱۰.جمعی از مؤلفان از جمله مؤلف، معجم احادیث الإمام المهدی، مؤسسه معارف اسلامی، قم.

۱۱.حموی، یاقوت، معجم البلدان، دار احیاء التراث العربی، بیروت.

۱۲.دامغانی، محمود مهدوی، ترجمه المغازی، مرکز نشر دانشگاهی، تهران.

۱۳.دکتر حریر چی، ام سلمه، امیرکبیر، تهران.

۱۴.دیلمی، ابن شیرویه، فردوس الأخبار، دارالکتب العلمیه، بیروت.

۱۵.سجستانی، سلیمان بن اشعث، سنن ابی داود، دارالفکر، بیروت.

۱۶.شوشتری، محمد تقی، قاموس الرجال، مرکز نشر الکتاب، تهران.

۱۷.شوکانی، محمد بن علی، نیل الأوطار، دار الجیل، بیروت.

۱۸.شیخ صدوق، محمد بن علی بن بابویه، کمال الدین، جماعه المدرسین، قم.

ص:۶۱

۱۹.شیرازی، سید صادق، السیاسه من واقع الاسلام، قم.

۲۰.طبرسی، احمد بن علی، الإحتجاج، منشورات النعمان، نجف.

۲۱.طبری، محمد بن جریر، دلائل الإمامه، الحیدریه، النجف.

۲۲.طبسی، نجم الدین، چشم اندازی از حکومت مهدی، انتشارات دفتر تبلیغات، قم.

۲۳.طوسی، محمد بن الحسن، رجال، مؤسسه النشر اسلامی، قم.

۲۴.طوسی، محمد بن الحسن، کتاب الغیبه، مؤسسه معارف اسلامی، قم.

۲۵.قمی، شیخ بعاس، منتهی الآمال، هجرت، قم.

۲۶.قمی، شیخ عباس، بیت الأحزان، قم.

۲۷.قمی، شیخ عباس، سفینه البحار، انتشارات اسوه، قم.

۲۸.کحاله، عمر رضا، اعلام النساء، المکتبه الهاشیه، دمشق.

۲۹.مالکی، ابن الصباغ، الفصول المهمه، مطبعه العدل.

۳۰.مامقانی، عبدالله، تنقیح المقال، چاپ سنگی، نجف اشرف.

۳۱.مجلسی، محمدباقر، بحارالانوار، مؤسسه الوفاء، بیروت.

۳۲.محلاتی، ذبیح الله، ریاحین الشریعه، دارالکتب الإسلامیه، طهران.

۳۳.محلاتی، ذبیح الله، عائشه ام المؤمنین، تهران.

۳۴.محلاتی، سید هاشم رسولی، زندگانی حضرت فاطمه و دختر آن، انتشارات علمیه اسلامیه، تهران.

۳۵.محمد بن طبری، المسترشد، مؤسسه الثقافه الإسلامیه، طهران.

۳۶.مروجی طبسی، محمد جواد، نقش زنان مسلمان در جنگ، پیام آزادی، تهران.

۳۷.المزی، یوسف، تهذیب الکمال فی اسماء الرجال، مؤسسه الرساله، بیروت.

۳۸.مفید، محمد بن محمد بن النعمان، الاختصاص، مکتبه بصیرتی، قم.

۳۹.مفید، محمد بن محمد بن النعمان، الجمل، مکتبه الداوری، قم.

ص:۶۲

۴۰.واقدی، ابوعمر، مغازی واقدی، نشر دانش، قم.

۴۱.هیثمی، نورالدین، مجمع الزوائد، مکتبه القدسی، القاهره.

ص:۶۳

درباره مرکز

بسمه تعالی

هَلْ یَسْتَوِی الَّذِینَ یَعْلَمُونَ وَالَّذِینَ لَا یَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند ؟

سوره زمر/ ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ.ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفا علمی و به دور از تعصبات و جریانات اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب « مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱.بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)

۲.تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی

۳.جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه ، تبلت ها، رایانه ها و ...

۴.سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو

۵.گسترش فرهنگ عمومی مطالعه

۶.زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱.عمل بر مبنای مجوز های قانونی

۲.ارتباط با مراکز هم سو

۳.پرهیز از موازی کاری

۴.صرفا ارائه محتوای علمی

۵.ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱.چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه

۲.برگزاری مسابقات کتابخوانی

۳.تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...

۴.تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...

۵.ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: www.ghaemiyeh.com

۶.تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...

۷.راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی

۸.طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...

۹.برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)

۱۰.برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)

۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در ۸ فرمت جهانی:

۱.JAVA

۲.ANDROID

۳.EPUB

۴.CHM

۵.PDF

۶.HTML

۷.CHM

۸.GHB

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

۱.ANDROID

۲.IOS

۳.WINDOWS PHONE

۴.WINDOWS

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

درپایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه

بزرگوارانی که مـا را در دستیـابی به این هـدف یـاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادنـد تقـدیر و تشـکر می نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصـفهان -خیابان عبـدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آباده ای - کوچه شـهید محمد حسن توکلی -پلاک ۱۲۹/۳۴- طبقه اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵

دفتر تهران: ۸۸۳۱۸۷۲۲ ـ ۰۲۱

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹


مرکز تحقیقات رایانه‌ای
قائمیه
اصفهان
www
برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی
www.Ghaemiyeh.com
www.Ghaemiyeh.net
www.Ghaemiyeh.org
www.Ghaemiyeh.ir
مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.
۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹